



زیر چتر نقد
تحلیل انتقادی ترجمه
محمدرضا ربای
مترجم، زبان‌شناس

یادداشت حاضر با یادداشت‌های قبلی زیر چتر نقد متفاوت است. زیرا به اثری ترجمه شده نمی‌پردازد. بلکه اثری در باب ترجمه را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت بهتر قرار است اثری درباره نقد ترجمه «زیر چتر نقد» قرار گیرد. «تحلیل انتقادی ترجمه» اثری علمی-پژوهشی از دکتر علیرضا خان‌جان است که نشر آگه در سال ۱۴۰۰ آن را به زور طبع آراست و روانه بازار کتاب کرد. این اثر به موضوعی مهم و راهبردی به نام نقد ترجمه می‌پردازد و کوشیده تا مدلی علمی و در عین حال کاربردی برای نقد ترجمه مبتنی بر نقش‌گرایی ارائه نماید. نظر جان در مقدمه کتاب و البته پیش از آن در نشست‌هایی که توسط انجمن صنفی مترجمان در خصوص نقد ترجمه برگزار شده، به این موضوع اشاره کرده است که حرفه اولیه تحلیل انتقادی ترجمه در جریان رساله دکتری وی خورده و در حقیقت واکنشی بوده است به مدل نقد ترجمه جولیان هاوس. خاطر نشان می‌سازد دکتر علیرضا خان‌جان، دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه اصفهان، مترجم و پژوهشگر حوزه ترجمه است. خان‌جان در پیش‌گفتار این اثر به خوبی سه کارکرد را برای نقد ترجمه تبیین می‌کند که عبارتند از: سازندگی، اصلاح و بهبود؛ ادای حق نویسنده و خواننده؛ آگاهی بخشی. به واقع می‌توان نقد را اصل ترجمه و نقدی که چنین هدفی را دنبال نکند، به نوعی بیراهه رفته است. همین دلیل است که به جای تیغ نقد، چتر نقد را برگزیده‌ایم. زیر چتر نقد است که می‌توان به اصلاح و بهبود کیفیت ترجمه امیدوار تر بود. از طرفی دیگر ترجمه‌ای که دست به ترجمه اثری می‌برد باید هم به نویسنده متعهد باشد و هم به خواننده و نقد اصلاح‌گر می‌تواند به ادای دین مترجم به نویسنده و خواننده کمک کند. اما درباره آگاهی بخشی، باید گفت نقد علمی و کاربردی ذائقه مخاطب را ارتقا می‌دهد و همین امر گزینش ترجمه و مترجم را برای او تسهیل می‌کند. آنچه به اعتقاد راقم این سطور باید به کار کرده‌ای سه‌گانه مورد اشاره خان‌جان برای نقد اضافه کرد، «موزش» است. نقد نظریه‌بنیاد می‌تواند برای مترجمان نیز جنبه آموزش داشته باشد. خواننده و شنیداریم که برخی مترجمان نامدار گذشته نیز به تطبیق ترجمه‌های خوب با متن اصلی به‌عنوان راهبردی آموزشی اشاره کرده‌اند. بنابراین برای نقد نیز می‌توان کارکرد آموزشی در نظر گرفت. زیرا الگوی اندیشیدن و راهبردهای منتخب مترجمان را نیز بهبود می‌بخشد. دکتر خان‌جان در «تحلیل انتقادی ترجمه» نقد علمی را از نقد ژورنالیستی متمایز کرده و داشتن چارچوب نظری و نظام‌مندی را رمز تمیز بین این دو نوع نقد عنوان می‌کند. البته ایشان در این اثر ارزش نقد ژورنالیستی را نفی نمی‌کند اما به اعتقاد نگارنده، نقد ژورنالیستی در شرایط اکنون با کارکرد آگاهی بخشی مخاطب همخوانی بیشتری دارد و در نتیجه نباید از آن غافل شد. متأسفانه آنچه شاهدش هستیم، انباشت مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های علمی متعدد نظریه‌بنیاد و نظام‌مند در حوزه نقد است که به سبب مطالعه مخاطب عام کتاب راهی نیافتاده‌اند. بنابراین ضمن تأکید مجدد بر اهمیت نقد ژورنالیستی، به نظر می‌رسد شایسته و حتی بایسته است به همپوشانی‌های نقد علمی و ژورنالیستی نگاه ویژه داشت. «تحلیل انتقادی ترجمه» در فصل «زمینه نظری» بازخوانی و نقد الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه و پیشنهاد الگوی تحلیل انتقادی ترجمه است. خان‌جان کوشیده تا در فصل «زمینه نظری» مبانی مدنظر برای الگوی خود را تبیین کند که به نظر کافی و ضروری می‌آید. در فصل پنجم نیز علاوه بر معرفی الگوی خود، نمونه‌هایی از کاربرد عملی الگوی تحلیل انتقادی ترجمه ارائه کرده است که در نوع خود جالب توجه و کاربردی است، گرچه افزودن نمونه‌های بیشتر می‌توانست در کاربردی‌تر کردن این اثر مفید باشد و آن را به کتابی برای منتقدان ترجمه تبدیل کند؛ موضوعی که پیشنهاد می‌شود نویسنده آن را برای ویراست‌های بعدی مدنظر قرار دهد. نکته مهم دیگری که در این اثر چشم‌نواز است، ارائه تبیین‌ها و توضیحات بیشتر در پیرامون اثر به‌ویژه پانویست است. توضیحات ارائه شده سودمند و در برخی موارد ضروری هستند. در بررسی «تحلیل انتقادی ترجمه» نباید از قلم شیوا و انسجام کلامی خان‌جان غافل شد. وی زبانی پیراسته و قلمی ویراسته دارد که خوانش اثری علمی را هم برای مخاطب پژوهشگر و هم علاقه‌مند به نقد تسهیل می‌کند. امید است این اثر بتواند تولیدات بیشتری در حوزه نقد ترجمه قرار گرفته و به توسعه نقد علمی و کاربردی کمک کند.

محدثه احمدی در گفت‌وگو با آرمان ملی:

مسئولیت مترجم کمتر از نویسنده نیست

ترجمه بد خیانت به نویسنده و مخاطب است



کتاب «کاخ کاغذی» نوشته میراندا کاولی هلمر، آخرین اثر ترجمه‌ای شماست که بهتازگی از سوی نشر آموت به چاپ رسیده و در مدت کوتاهی به چاپ دوم رسید. کمی درباره این اثر توضیح دهید.

به زغم اینکه این کتاب اولین اثر نویسنده بود، در سطح جهانی به موفقیت‌های زیادی رسید. مخاطبان فارسی‌زبان هم به خوبی از آن استقبال کردند. کتاب روایتگر فراز و نشیب‌های زندگی زنی است که در پنجاه سالگی باید تصمیمی مهم بگیرد؛ آیا همچون تمام این سال‌ها خود را به دست روزگار بسپارد و دیگران را در اولویت دهد یا بالاخره به حرف قلبش گوش کند و برخلاف جریان آب، شنا کند؟ عشق، فرزندپروری، غفلت و انتخاب جزء موضوعات اصلی این داستان فوق‌العاده هستند. زمان تقریباً یک سال پیش عرضه جهانی شد و به رغم اینکه این کتاب اولین اثر نویسنده بود، در سطح جهانی به موفقیت‌های زیادی رسید. مخاطبان فارسی‌زبان هم به خوبی از آن استقبال کردند. داستان بین زمان حال و گذشته نوسان میکند تا تصویری کامل از نیم قرن زندگی شخصیت‌ها را در این داستان با فضاهای طبیعی و جنگلی زنده‌ای روایتگر باشیم. عشق، فرزندپروری، غفلت و انتخاب جزء موضوعات اصلی این داستان فوق‌العاده هستند. یکی دیگر از نقاط قوت سبک کاولی هلمر، خلق دیالوگ‌هایی قدرتمند است که در عین طبیعی بودن، پر مغز و معنادار هستند. مخاطب به راحتی نحوه حرف زدن شخصیت‌ها را تمیز میدهد، چرا که هر یک از واژگانی خاص و ساختارهای بیانی و حتی لپه‌های خودشان بهره میگیرند.

شما در حوزه ترجمه ادبی، سابقه فعالیت با تحصیلات مرتبط دارید. به نظر شما این حرفه، چه چالش‌هایی را برای مترجمان دارد؟

ترجمه ادبی مسئولیت سنگین‌تری را بر دوش مترجم می‌گذارد. چرا که صرفاً با متنی ساده در ارتباط نیستیم. مترجم باید روح، سبک و زیبایی‌های ادبی اثر را منتقل کند و به نوعی، نماینده نویسنده در فرهنگ و زبان مقصد باشد. یکی از چالش‌های پیشروی مترجمان ادبی، سرعت انتشار و کثرت آثار در سطح جهانی است که باید ماهرانه خود را به آن برسانند و قدرت نقد ادبی برای انتخاب بهتر را داشته باشند. در داخل ایران نیز فضای ترجمه بسیار رقابتی است و مترجم باید با کسب مهارت‌هایی و روی زبان، مثل ویراستاری، تفکر انتقادی و برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، جایگاه خود را حفظ کرده و بهبود ببخشد. به علاوه باید کتابخوان خوبی باشد و از جهان ادبیات معاصر غیب‌نماند.

آیا رفتن سراغ نویسندگان خارجی ناشناخته برای مخاطب ایرانی و ترجمه آثار آنها، یک ارزش است؟ این کار چقدر ریسک دارد؟

قطعاً شناساندن نویسنده‌ای جدید و ناشناخته، نیازمند صرف انرژی و تلاش زیادی است. چون معمولاً مخاطب سراغ کتاب‌هایی می‌رود که با قلم و نحوه داستان‌پردازی نویسنده‌اش آشنا باشد و تقریباً مطمئن باشد که مطالعه‌ای لذت‌بخش خواهد داشت. اما در بازار ترجمه و چاپ ایران، از مخاطب شدن نویسنده‌ای خاص، افراد و نشرهای مختلف به سرعت سراغ تمام آثار جدید و قدیم او می‌روند و رقابت بر سر چاپ شدت می‌گیرد. حتی گاهی به ارزش کتاب‌ها و میزان جذابیتش برای مخاطب ایرانی توجه نمی‌شود و صرفاً چون چند برگردان قبلی موفق ظاهر شده‌اند، بقیه آثار هم در صف چاپ قرار می‌گیرند؛ حتی شده با کیفیت پایین. این فضای رقابتی، گاهی نفس‌ناشر و مترجم اول را می‌برد و به نوعی کار را لو می‌کند. از این جهت معمولاً تلاش بر این است که روی یک نویسنده تمرکز نشود و به جای اسمی خاص، به داستان‌ها و ارزششان توجه شود. همان‌طور که در سطح جهانی بسیاری از نویسندگان گاهی با همان اثر اول خود، مطرح می‌شوند و از سوی مخاطبان مورد اقبال قرار می‌گیرند. چون ویرای اسم و رسم، بیشتر به متن و داستان می‌پردازند و به این نکته توجه دارند که صرفاً نامی آشنا، جذابیت‌قصد را تضمین نخواهد کرد.

چرا مخاطبان ایرانی، به خواندن آثار ترجمه‌ای، ولو نویسنده آنها چندان شناخته نشده‌باشد، رغبت بیشتری نشان می‌دهند تا

آرمان ملی – بیتا ناصر: حفظ چارچوب‌ها، قواعد و ارتباط صحیح مفاهیم از اصلی‌ترین شاخصه‌های ترجمه‌های ادبی به‌شمار می‌آیند. بی‌شک به همان اندازه که شناخت زبان، اصطلاحات، فرهنگ و تاحدودی تاریخچه ادبیات کشور مبدأ در کیفیت اثر ترجمه‌ای تأثیرگذار است، شناخت ادبیات مقصد نیز جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارد. متأسفانه در کشور ما، ترجمه‌ی کتاب یک حرفه تخصصی تلقی نمی‌شود و افراد با سطح سواد و توانمندی‌های مختلف، به این حوزه وارد می‌شوند. این گونه است که به کرات با ترجمه‌هایی در بازار کتاب مواجه می‌شویم که مشکلات نحوی و نگارشی متعددی دارند یا دچار ضعف تألیف‌اند. این مسائل نشان‌دهنده ضعف قلم و نبود تسلط بر زبان فارسی است. محدثه احمدی که در سال‌های گذشته ترجمه‌های در ژانر جنایی و معمایی را بر عهده داشته است، می‌گوید: «ترجمه خوب و اصولی اثری، دست دوم پست‌تر از تألیف محسوب نمی‌شود. چرا که تمام مسئولیت‌هایی که مؤلف برای حفظ زبان و ادبیات و فرهنگ خود دارد، بر دوش مترجم نیز است. حتی در مواردی که خلاهای ژانری یا واژگانی در زبان مقصد وجود دارند، ترجمه و مترجم جایگاه قدرتمندی می‌گیرند و زبان مبدأ می‌تواند به رشد و پیشرفت زبان مقصد کمک شایانی کند.»

که این اصول را ندانند، می‌تواند متنی باشکوه و ملو از توصیف و احساس را به متنی ساده و معمولی و اصطلاحاً آبیکی در فارسی تبدیل کند که این خیانت در حق نویسنده و مخاطب است. مترجم ادبی باید همان اندازه که برای مهارت درک مطلب زبان خارجی وقت صرف می‌کند، فارسی خود را بهبود ببخشد.

اساساً یک مترجم چه مسئولیت‌هایی را در قبال زبان مبدأ و مقصد دارد؟

در گذشته تصور می‌شد مسئولیت مترجم این است که موبه‌مو، کلمات زبان مبدأ را برگرداند؛ حتی اگر در نهایت متنی سخت و پیچیده خلق می‌شد. اما در حال حاضر، بسیاری از مترجمان حوزه ترجمه بر این باورند که مترجم باید به زبان مقصد نیز وفادار باشد، پیام را انتقال دهد و در واقع، ساختار، روح و مفهوم زبان مبدأ را در زبان مقصد بازآفرینی کند. بنابراین امروزه در سطح بین‌المللی، ترجمه خوب و اصولی اثری دست دوم و پست‌تر از تألیف محسوب نمی‌شود. چرا که تمام مسئولیت‌هایی که مؤلف برای حفظ زبان و ادبیات و فرهنگ خود دارد، بر دوش مترجم نیز هست. حتی در مواردی که خلاهای ژانری مفهوم مترجم جایگاه قدرتمندی می‌گیرند و زبان مبدأ می‌تواند به رشد و پیشرفت زبان مقصد کمک شایانی کند.



بالایی را اتخاذ نمی‌کند. اما حمایت کارگزاران و عدم حذف مترجم از چرخه حیات کتاب‌ها می‌تواند در اصلاح این وضعیت مؤثر باشد.

این حرفه، از آن دست حرفه‌هایی است که هرکسی با هر سطح توانایی و شناخت از زبان، به آن وارد می‌شود. این مساله چه آسیب‌هایی را به همراه دارد؟

افراد زیادی صرفاً به دلیل آشنایی با زبان قدم در این حوزه می‌گذارند؛ بدون اینکه از ساختارها و نظریه‌های آکادمیک این رشته آگاهی داشته باشند. از طرفی تنها دانستن زبان خارجی کفایت نمی‌کند. به خصوص برای ترجمه ادبی، زبان فارسی فرد باید بسیار خوب باشد، دایره واژگان فارسی وسیعی داشته باشد و تاحدی ویرایش و تمیزنویسی بداند. ورود افراد بدون دانش کافی به حوزه ترجمه می‌تواند روی وجهه نویسندگان و آثارشان تأثیر منفی بگذارد. یک داستان زیبا و خاص با ترجمه بد یا غیر حرفه‌ای، به حد کفایت در زبان مقصد مورد توجه قرار نمی‌گیرد و حتی گاهی منجر به نقدهای نادرست می‌شود. از طرفی نمی‌توان کتمان کرد که این کار به نوعی، نابودی سرمایه و انرژی است و گاهی رقابت‌های می‌مورد را سبب می‌شود.

با توجه به اینکه ترجمه‌های شما، عمدتاً از آثار نویسندگان آمریکایی است، چقدر به این نظر باور دارید که مترجمان به صورت تخصصی روی آثار یک کشور خاص کار کنند؟

تمرکز روی آثار یک کشور شاید بتواند منجر به آشنایی بیشتر با فرهنگ، جغرافیا، واژگان رایج و نویسندگان شاخص حال حاضر آن بخش از جهان شود و به کیفیت ترجمه و انتخاب‌های بهتر کمک کند. اما ترجیح من این است که به جای تمرکز بر خطه‌ای خاص، سراغ زبان مشترک مجموعه‌ای از کشورها بروم و کارهایم را در مقوله «ادبیات انگلیسی» بگنجانم. تنوع، فرخ‌بخش است و به نظر من با قرار دادن «زبان» در هسته فرآیند انتخاب آثار، امکان یادگیری بیشتری هم برای مترجم فراهم می‌آید.

نظرتان درباره تخصص‌گرایی در ترجمه ژانرهای مختلف چیست؟ مثلاً آیا خوب است که یک مترجم، در حوزه ترجمه آثار جنایی-معمایی، تخیلی یا تاریخی تخصص داشته باشد؟

بله، با این کار موافقم. تخصص ژانری کار را نظام‌مندتر می‌کند و اعتماد مخاطب به ترجمه‌های افراد را افزایش می‌دهد. همان‌طور که توصیه می‌شود نویسندگان در حوزه موضوعی خاصی قلم بزنند و مرزها و محدودیت‌هایش را آزمایش کنند، مهارت مترجم ادبی نیز برای اکتساب آگاهی و به‌دقت در ژانری خاص زمان صرف می‌شود.

داستان‌های بزرگ که سال‌ها قبل ترجمه شده‌اند، با لحاظ کردن مختصات زبانی روز، دوباره ترجمه شوند. با این نظر به موافق‌اید؟

توصیه می‌شود تقریباً هر ده سال یک بار، آثار ادبی شاخص باز ترجمه شوند. چرا که زبان پویاست و در طول یک دهه واژگان و اصطلاحات متعددی به آن اضافه می‌شود و ساختار گفتاری و شنیداری مردم نیز تغییر می‌کند. به نظر من این کار به حدت جذابیت‌های این قبیل آثار برای نسل‌های جوان کمک می‌کند و منجر به این می‌شود که به دلیل سخت‌خوانی، صرفاً مورد توجه گروهی اندک قرار بگیرد و حیات آثار کلاسیک حفظ شود. اما نکته مهم اینجاست که ابتدا ترجمه‌های سابق باید بررسی شوند تا فاصله زبانی‌شان با زمان حال مشخص شود. گاهی با اندکی ویرایش، این شکاف از میان می‌رود. به علاوه در مورد داستان‌های بزرگ باید حساسیت بیشتری به خرج داد و با ترجمه‌های ضعیف، از ارزش تاریخی آن‌ها نکاست.

لطفاً کمی درباره فعالیت‌های اخیر و حال حاضر خود در حوزه ترجمه توضیح دهید. چه آثاری را در نوبت انتشار دارید؟

عمده ترجمه‌های داستانی من به ژانر معمایی برمی‌گردد که دلیل اصلی آن، علاقه شخصی‌ام به این حوزه است. البته اندکی هم در زمینه آثار روانشناسی عمومی کار می‌کنم. اخیراً دو رمان «کاخ کاغذی» از نشر آموت و «پارتمان پاریس» از نشر نون با ترجمه من به چاپ رسیده است. به جز این، بازگردان رمانی از «هارلن کوین» در دست انتشار است که حدود یک سال از پخش جهانی آن می‌گذرد و قطعاً طرفداران ایرانی این نویسنده را خوشحال و راضی خواهد کرد. چند رمان دیگر نیز در صف ترجمه قرار دارند که همگی در دسته آثار معمایی و خانوادگی جای می‌گیرند.



سر نوشت عاشق...

کتاب «سرنوشت عاشق نیت توست» زمانی تازه منتشر شده از انتشارات نسل نواندیش است. این رمان به قلم نویسنده جوان ترک ایتهم امین نمونلو و با ترجمه فائزه پورعلی وارد بازار نشر ایران شده است. نویسنده، روایتگر سرگذشت واقعی مردی می‌بندوبار و قمارباز است که در آمد ناشی از کسب و کار خانوادگی‌شان را صرف عیش و نوش و خوشگذرانی‌های خود می‌کند. دست روزگار به‌واسطه خیانتی دور از انتظار مسئولیت کل زندگی را بر دوش او می‌گذارد و او مجبور به پرداختن توان‌خیانت‌ها و زیاده‌خواهی‌های فردی که در دنیا بیشترین اعتماد و تکیه را بر او داشت می‌شود. این خیانت موجب از هم‌پاشیدگی کسب و کار، خانواده به‌خصوص اعتبار خانواده او می‌شود. در روزهای ناامید و سیاهی که در زندان سپری می‌کند، روزنه‌ای از امید برایش کشوده می‌شود؛ به گونه‌ای که پس از این تجربه تلخ با مسیری نو رویش از بزرگترین صادرکنندگان روغن زیتون کشور ترک کیه تبدیل می‌شود. این رمان الهام‌بخش خاطر‌نشان می‌کند که به شرط داشتن امید، معجزه پشت در است و خداوند در روزهای تلخ زندگی همواره می‌کوشد تا ما را در برخورد با چالش‌ها یاری رسانده و رشد و ارتقا یمن دهد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «ساعت سه بامداد بود و تلفن روی میز بدون وقفه زنگ می‌خورد. همین‌طور که تلفن روی میز می‌ریزد هرکسی که دور میز نشسته بود، به صورت نگاه می‌کرد. دستم خیلی خوب بود و همان‌طور که به صورت پر از شکر همه چشم می‌گرداندم، به دوستانم گفتم: «من می‌برم، کسی روی دستم نیست...» هر چند زنگ خوردن تلفن قطع نمی‌شد، همه طوری به یکدیگر نگاه می‌کردند که گویی در دلشان می‌گویند: «خیال می‌کنی، من پادشاه این بازی‌ام.» نمی‌دانم آیا بدترین جنبه این بازی این است که هر کس برنده می‌شود واقعا احساس پادشاهی می‌کند. شاید هم هیچ‌کدام از کسانی که دور میز نشسته بودند به آن پول احتیاج نداشتند، در نتیجه بازی سر میلیون‌ها دلار نبود! وقتی به زندگی کاری‌مان نگاهی می‌انداختم رقم‌های بسیار کوچکی بود. شاید هم برای من دیگر پول‌هایی با رقم‌های درشت مناسب بود.» کتاب «سرنوشت عاشق نیت توست» نوشته ایتهم امین نمونلو، در ۱۶۸ صفحه، به قیمت ۷۷ هزار و ۹۰۰ تومان، با ترجمه فائزه پورعلی و از سوی انتشارات نسل نواندیش راهی بازار کتاب شد.

